مطالعات تاریخ اسلام
سال هفدهم، شمارهٔ ۶۶، پاییز ۱۴۰۴، مقالهٔ علمی- پژوهشی، صفحات ۱۳۷ -۱۶۳

تحلیل ساختار سازمان وکالت ائمه(ع)
(براساس مدل مدیریت استراتژیک فرایندی)

احد عبادی[۱]

چکیده: پژوهش حاضر با هدف تحلیل عملکرد مدیریتی «شبکه وکالت ائمه» از منظر مدل «مدیریت استراتژیک فرایندی» انجام شده است. مسئلهٔ اصلی در این تحقیق، آن است که چگونه این شبکه توانسته است ضمن پیروی از اصول استراتژیک و ساختارمند، در شرایط بحرانی سیاسی و اجتماعی، کارکرد مؤثر خود را حفظ کند. رویکرد تحقیق توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر بررسی منابع دست اول تاریخی و معتبر است. در این پژوهش، ابتدا به بررسی تاریخچه، اهداف، رسالت‌ها و اصول حاکم بر شبکه وکالت پرداخته شده و سپس ساختار مدیریتی، چینش نیروها و مکانیزم‌های ارتباطی و کنترلی آن تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که شبکهٔ وکالت ائمه بر پایهٔ یک سیستم مدیریتی سازمان‌یافته، با ساختار سلسله‌مراتبی و مدیریت مؤثر منابع انسانی و اطلاعات، استوار بوده است. انعطاف‌پذیری، عملکرد این شبکه در شرایط بحران، نظارت دقیق، ارتباطات مخفی و تبادل پیام میان وکلا و امامان، نمونه‌ای برجسته از یک سازماندهی هوشمند در تاریخ اسلام است که نقش مؤثری در حفظ و گسترش مکتب تشیع ایفا کرده است.

واژه‌های کلیدی: امامان شیعه(ع)، دوران غیبت، عباسیان، شبکه وکالت، مدیریت استراتژیک، مدیریت فرایندی

10.22034.17.66.1

۱. دکتری تاریخ ایران اسلامی، گروه معارف اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
1372850643@iau.ir https://orcid.org/0000-0002-7147-7442

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۱ تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

Copyright: © 2020 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

A Quarterly Journal of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 17, No 66, Autumn 2025
Research Center for Islamic History, http://journal.pte.ac.ir
Scientific-Research, pp. 137-163

An Analysis of the Organizational Structure of the Imams' (PBUH) Agency Network: Based on a Process-Oriented Strategic Management Model

Ahad Ebadi[1]

Abstract: This study examined the managerial performance of the *Imams' Agency Network (Wikālah Network)* through the lens of process-oriented strategic management model. The main research question was how this network succeeded in maintaining its effectiveness under severe political and social constraints while adhering to structured and strategic principles. The study employed a descriptive–analytical methodology grounded in the analysis of primary and authoritative historical sources. The research first explored the historical background, objectives, missions, and governing principles of the Agency Network. It then analyzed its managerial structure, workforce configuration, and communication and control mechanisms. The findings reveal that the Imams' Agency Network was built upon a well-organized managerial system characterized by a hierarchical structure and effective management of human and informational resources. Its adaptability, crisis-management capabilities, rigorous supervision, covert communication channels, and systematic message exchange between the Imams and their agents represent a remarkable example of intelligent organizational design in Islamic history. This network played a crucial role in preserving and expanding Shiʿi doctrine during periods of political constraint or repression.

Keywords: Shiʿi Imams (PBUH), Occultation period, Abbasid era, agency network (Wikālah), strategic management, process-oriented management.

10.22034.17.66.1
1. PhD in History of Islamic Iran, Department of Islamic Studies (Tabriz Branch) Azad Islamic University, Tabriz, Iran. 1372850643@iau.ir https://orcid.org/0000-0002-7147-7442
Receive Date: 2025/05/22 Accept Date: 2025/10/02
Copyright: © 2020 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

مقدمه

دوران حکومت خلفای عباسی با سرکوب و اختناق شدید همراه بود که بیشتر ناشی از نگرانی حکام عباسی از افکار عمومی و ترس از قضاوت‌های منفی در میان مسلمانان بود. این شرایط به‌ویژه پس از سرکوب شدید امویان و وابستگان آنها در پی پیروزی عباسیان شدت یافت. پس از حذف فیزیکی شخصیت‌هایی چون ابومسلم خراسانی، بسیاری از مناطق اسلامی به‌ویژه خراسان از حکومت عباسیان ناراضی شدند. همچنین حذف اهل بیت(ع) از قدرت که با شعار «الرضا من آل محمد» به دست آمده بود، موجب نارضایتی شدید شیعیان شد. در این شرایط، عباسیان برای تثبیت قدرت خود و مقابله با شیعیان و گروه‌های مخالف، به سرکوب‌های سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای دست زدند. طبری،[1] ابن‌اثیر،[2] یعقوبی[3] و دیگران به شرایط سخت دوران عباسیان اشاره کرده و اقدامات سرکوبگرانهٔ این خلفا علیه شیعیان و پیروان ائمه را مستند کرده‌اند. این فشارها باعث شد ارتباطات مخفی و شبکه‌سازی میان امامان معصوم(ع) و شیعیان به عنوان یک ضرورت برای حفظ بقای مکتب تشیع مطرح شود. در چنین فضایی، ایجاد شبکه‌ای گسترده و مخفی به عنوان واسطه‌ای میان امامان و پیروانشان برای کاهش ریسک و حفظ جان امامان و شیعیان، اهمیت ویژه‌ای یافت. این شبکه نه تنها ارتباط مستمر میان امامان و پیروان را حفظ می‌کرد، بلکه با ساختار منسجم خود، امکان انتقال سریع پیام‌ها و حل مشکلات فکری و عقیدتی شیعیان را فراهم می‌آورد. در هر سازمان دینی، سیاسی یا اجتماعی، برقراری ارتباط درست و مستمر میان رهبری و

---

۱. امام کاظم(ع) مجبور شد نزد مهدی عباسی سوگند بخورد که دست به فعالیت مسلحانه علیه عباسیان نخواهد زد (طبری، ۱۳۸۷: ۱۷۷/۸).

۲. عیسی‌بن موسی -پسرعموی منصور- پس از سرکوب قیام نفس زکیه، بخشی از اموال امام ششم را مصادره کرد. منصور در پاسخ به شکایت امام، قصد قتل او را کرد، ولی با صحبت‌ها و تعهد امام از این کار منصرف شد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق: ۵۴۳/۸-۵۴۴). سخت‌گیری‌های فرماندار مدینه (عمربن عبدالعزیز) نسبت به خاندان علی(ع) برای خوش‌خدمتی به خلیفه، از جمله تازیانه زدن به فرزندان أبی‌طالب به اتهامات واهی و چرخاندن آنان در کوچه و بازار، همچنین موظف ساختن بزرگان بنی‌هاشم برای معرفی هر روزهٔ خود به فرمانداری، باعث شده بود آتش قیام (که به قیام فخ معروف است) پیش از موعد شعله‌ور شود (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق: ۹۰/۶؛ ابوالفرج‌اصفهانی، ۱۳۸۵ق: ۴۴۳).

۳. در سال ۱۶۹ق. که گروهی از عباسیان از جمله محمد بن سلیمان در مکه بودند، حسین‌بن علی به همراه سیصد نفر به سوی مکه حرکت کرد. هادی از قیام آگاه شد و محمدبن سلیمان را مأمور جنگ با حسین کرد و سپاهی عظیم نیز روانه مکه کرد. سرانجام در سرزمین فخّ -نام چاهی در غرب مکه- جنگ سختی بین آنها درگرفت و حسین‌بن علی و عدهٔ زیادی از یارانش به شهادت رسیدند و سرهای آنان برای خلیفه به بغداد فرستاده شد (تاریخ یعقوبی، [بی‌تا]: ۴۰۷/۲؛ طبری، ۱۳۸۷ق: ۵۹۸/۳-۶۰۰؛ مسعودی، ۱۴۰۹ق: ۳۳۲/۲؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵ق: ۴۲۹- ۴۳۸).

توده‌ها، از ارکان ضروری پایداری و کارآمدی آن سازمان است. بر همین اساس، شیعیان برای مقابله با تهدیدات و خطرات موجود، به شبکه‌ای ساختارمند و کارآمد نیاز داشتند که علاوه بر حفظ جان و امنیت، بتواند اهداف دینی و سیاسی آنان را پیگیری کند. در پژوهش حاضر، به این شبکه و نقش آن در روزگار سخت عباسیان نسبت به شیعیان و ائمه(ع) پرداخته شده است.

در مورد پیشینهٔ تحقیق، چند مورد را به‌طور مجزا اشاره خواهم کرد. نکتهٔ نخست اینکه کتاب‌هایی که به‌طور مشخص به شبکهٔ وکلای ائمهٔ اطهار(ع) در دوره‌های مشخص و مورد بحث پرداخته‌اند، بسیارند و یادآوری همهٔ آنها فرصت و مجالی فراخ می‌طلبد. بعضی از این آثار عبارت است از: *کتاب غیبت*، *الفهرست* و *الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار* نوشتهٔ شیخ طوسی، *اثبات الوصیه لعلی‌بن أبی‌طالب* نوشتهٔ مسعودی، *غیبت نعمانی* نوشتهٔ محمدبن ابراهیم نعمانی و پژوهش معاصر با عنوان *سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه*(ع) نوشتهٔ جباری؛ یا رساله‌ها و پایان‌نامه‌هایی چون «نقش امامان شیعه در رشد و توسعه باورهای شیعه» (مهدی عبداللهی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب)؛ مقالهٔ «سازمان وکالت در عصر امام هادی(ع) و کارکردهای آن» (لاله اکبری مقدم، *فصلنامه فرهنگ پژوهش*) که نحوه شکل‌گیری، سازماندهی و نقش این شبکه در ارتباط میان امام و شیعیان، به‌ویژه در شرایط محدودیت‌های سیاسی و فشارهای حکومت عباسی، تحلیل شده است؛ مقاله «بررسی علل و انگیزه‌های تشکیل، عملکرد و محدوده سازمان وکالت در عصر امام صادق و امام کاظم(ع)» (مصیب عباسی و اکرم محمدی‌پور، مجلهٔ *پژوهش‌نامه تاریخ*) که عملکرد و محدوده جغرافیایی سازمان، زمان فعالیت آن –که از زمان امام صادق(ع) تا پایان غیبت صغری فعال بوده و مناطق وسیعی از حجاز، عراق، ایران و شمال آفریقا را پوشش می‌داده است– را بررسی کرده است؛ مقالهٔ «بررسی تاریخی وجود سازمان وکالت در مدینه» (مهدی نورمحمدی و زینب شریفی شکوه، مجله *تاریخ اسلام*) که در آن تلاش شده است ضمن معرفی مهم‌ترین وکلای ائمه در شهر مهم مدینه –که پایگاه حدیثی و فقاهتی در عصر حیات ائمه بوده است– به برخی از مأموریت‌های آنان در مدینه نیز پرداخته شود. نگارنده این تحقیق را با استفاده از بررسی این آثار و سایر آثار هم‌عرض و با تکیه بر نظریه مدیریت استراتژیک فرایندی و تحلیل چگونگی تلاش ائمه(ع) و وکلای آنان در سال‌های منتهی به آغاز دوران غیبت امام(عج)، به رشته تحقیق و تحریر آورده است.

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش به بررسی جزئیات سازمان وکالت در دوران ائمه شیعه پرداخته شده و نقش آن در انتقال پیام‌های امامان، مدیریت امور اجتماعی و سیاسی شیعیان و نظارت بر امور مالی و مذهبی تبیین شده است و نگارنده با تمرکز بر سیستم مدیریتی سازمان وکالت ائمه(ع) و چگونگی کارکردهای فنّی آن از دیدگاه «مدیریت‌شناسی»، در پی پاسخ به این پرسش بوده‌اند که: آیا مدیریت سازمان وکالت ائمه(ع) بر اصول سازمانی و سیستماتیک مستقر بوده و مدیریتی قاعده‌مند بر مجموعه رفتارها و کنش‌های مدیران ارشد و بدنه سازمان حاکم بوده یا مسائل و فرایندها براساس نیازهای روزمره و برحسب سلایق شخصی امام وقت و مدیران آن و بر حسب شرایط بومی و منطقه‌ای، احصا و مدیریت می‌شده است؟

برای رسیدن به پاسخ فرضیه، ابتدا با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و تکیه بر منابع دست‌اول، به مفهوم و هویت «سازمان وکالت» پرداخته شده و مؤلفه‌های «ساختار» و «اهداف و رسالت‌ها»ی سازمان مطالعه شده، سپس مدل و چارچوب نظری مطالعه فرضیه، انتخاب شده و شکل و محتوای ساختاری سازمان وکالت مورد بررسی و تحلیل فنی قرار گرفته است. برای تحلیل دقیق و دستیابی به نتیجه مطلوب‌تر، رویکردی میان‌رشته‌ای میان «علم تاریخ» و «علم مدیریت» انتخاب شده و ضمن ساختارشناسی سازمان وکالت ائمه، مدل‌های متعدد «مدیریت سازمان» نیز مورد بررسی قرار گرفته و از میان مدل‌های مختلف مدیریت سازمان، مدل «مدیریت استراتژیک فرایندی» به دلیل داشتن بیشترین انطباق و سازگاری با مهندسی و ساختار سازمانی و سیستم مدیریتی آن، مورد توجه واقع شده است. بر همین اساس، یافته‌های ساختار مدیریتی شبکه وکلا، نحوه مدیریت شبکه توسط ائمه(ع) و کارکرد اداری در سیستم آن، براساس مدل مذکور ارزیابی و تحلیل شده و در نهایت، در بستر آن مورد «بررسی انطباقی» قرار گرفته است. در اینجا لازم است به منظور روشن شدن روش کلی تحقیق و آشنایی کلی، مفاهیم پایهٔ مدل مدیریت استراتژیک فرایندی به صورت کوتاه توضیح داده شوند:

مفاهیم و چارچوب نظری پژوهش

استراتژی:[۱] «استراتژی» برنامه‌ای جامع برای عمل است که جهت‌گیری‌های عمده یک سازمان

۱. Strategy: اولین بار یونانی‌ها از این کلمه به معنای تدوین برنامهٔ جنگی توسط فرماندهان، صحیح عمل کردن در ←

را معین می‌کند و باید مشخص کند که «چه اهدافی و براساس چه فعالیت‌هایی باید تحقق یابد»، «روی چه چیزی باید تمرکز شود» و «چگونه برای بهره‌برداری از فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی، منابع تخصیص یابد».

مدیریت استراتژیک:[۱] مدیریت راهبردی یا استراتژیک، تجزیه و تحلیل مسائل مهم سازمان است که به منظور کنترل منابع در محیط‌های خارج از سازمان، توسط راهبران ارشد اتخاذ می‌شود (nag et al, 2007: 935). این فرایند شامل «مشخص کردن مأموریت»، «چشم‌انداز»، «منابع» و «توسعهٔ برنامه‌ها و سیاست‌های سازمان» است که به همهٔ فعالیت‌هایی که برای رسیدن به آن نیاز خواهد بود، می‌پردازد. در این مسیر، مدیریت استراتژیک سازمان را یاری و عملکرد بلندمدت آن را تعیین می‌کند.[۲] مدیریت استراتژیک علاوه بر ویژگی‌هایی که امر مدیریت به‌طور کلی داراست، از یک سری خصوصیات مختص به خود نیزبهره می‌برد که عبارت است از: ۱. «معطوف به آینده بودن» و تمرکز بر هدف‌های بلندمدت؛[۳] ۲. راهنمایی مدیران رده پایین؛[۴] ۳. مدیریت عالی (بلندپایه)؛[۵] ۴. «سیستم باز» دیدن سازمان.[۶]

دیدگاه فرایندی[۷] **در استراتژی:** فرایندها[۸] مجموعه فعالیت‌هایی‌اند که با یکدیگر ارتباط منطقی دارند و مشخص می‌کنند که یک کار مشخص، چارچوب، تعریف و روند مشخصی دارد که باید مطابق با مسیر از پیش تعیین‌شده، انجام شود.[۹] این فرایندها معمولاً به سه گروه

→ زمان و مکان مناسب و دست یافتن به نتایج مطلوب و مورد نظر استفاده کردند.

1. strategic Managment.

۲. معمولاً ورودی‌های استراتژیک از تجزیه و تحلیل محیط داخلی و خارجی مشتق شده‌اند و برای شکل‌گیری و اجرای استراتژی مؤثر، لازم می‌باشند (گرانت، ۱۳۹۸: ۸۷).

۳. به این می‌اندیشد که در افق زمانی مشخص‌شده سازمان چه خواهد شد و برای گرفتن این نتایج چه کارهایی را باید انجام‌داد (گرانت، همان، همان‌جا).

۴. اهداف، تصمیم‌ها و فعالیت‌هایی را مشخص می‌کند که تا پایین‌ترین سطوح برای هر کس نقطهٔ شروع حرکت را تعیین می‌کند (همان، همان‌جا).

۵. چون به‌طور کامل متوجه آیندهٔ سازمان است و سعی در مشخص کردن راستا و جهت آن دارد؛ بدان سبب وظیفهٔ اصلی مدیران بلندپایه است (همان، همان‌جا).

۶. سازمان‌ها با محیط اطراف در هم‌بستگی و تعامل می‌باشند و هر تغییر محیطی بر سازمان تأثیر خواهد گذاشت. پس مدیریت استرتژیک محیط را رصد می‌کند (ویتینگتون، ۱۳۹۷: ص۱۶۱).

7. Process

۸. تحقیقات فرایندی استراتژی، تمرکز بر آن دارد که چگونه یک مدیر می‌تواند به‌طور مستمر بر موقعیت استراتژیک سازمان از طریق تصمیم‌های مناسب و به کارگیری سیستم‌ها تأثیر بگذارد؟ (Chakravarti , 2002 :215).

۹. مطالعات فرایندی، چگونگی رسیدن سازمان به موقعیتی که به دست آورده را مورد بحث قرار می‌دهد (Chakravarti 2002 : 229).

تقسیم می‌شوند:[۱]

الف. فرایندهای اصلی: با هدف نهایی ارتباط مستقیم دارند و فلسفهٔ وجودی سازمان را تشکیل می‌دهند.[۲]

ب. فرایندهای پشتیبانی: این دسته از فرایندها به‌طور غیرمستقیم و با تأمین منابع مورد نیاز فرایندهای اصلی، در جهت تأمین نیازها و انتظارات عمل می‌کنند.[۳]

ج. فرایندهای مدیریت: وظیفه هدایت نیروی انسانی برای دستیابی به اهداف سازمانی را دنبال می‌کنند.[۴]

گام‌های فرایند استراتژی[۵]

الف. بررسی محیطی: فرایندی برای جمع‌آوری، سازماندهی و تجزیه و تحلیل اطلاعات است.[۶]

ب. تدوین استراتژی: از نیازهایی که باید برای رسیدن به اهداف سازمان برآورده شود، براساس اطلاعاتی که از تحقیق و بررسی محیطی حاصل می‌شود، تصویری واضح‌تر به دست می‌آید.[۷]

ج. پیاده‌سازی استراتژی:[۸] مهم‌ترین بخش اجرا و پیاده‌سازی استراتژی، «مرتبط‌سازی» آن با سایر بخش‌هاست؛ همه افراد سازمان باید با این استراتژی درگیر شوند و از اهداف بلندمدت آگاهی یابند.

هـ ارزیابی استراتژی: «جمع‌آوری اطلاعات و بازخوردها» و «ارزیابی عملکرد» از اقداماتی است که باید در ارزیابی استراتژی صورت بگیرد. طی فرایند، ایستگاه‌هایی قرار داده می‌شود تا

---

۱. APQC: مرکز بهره‌وری و کیفیت.

۲. فرایندهای اصلی شامل «توسعه چشم‌انداز و استراتژی»، «طراحی و مدیریت محصولات و خدمات»، «بازاریابی و فروش محصولات و خدمات»، «تحویل محصول» و «مدیریت خدمات مشتریان» است.

۳. مواردی مانند «توسعه منابع انسانی» و «توسعه قابلیت‌های کسب و کار» از فرایندهای پشتیبانی به شمار می‌روند.

۴. «مدیریت منابع انسانی»، «مدیریت فناوری اطلاعات»، «مدیریت منابع مالی»، «مدیریت دارایی‌ها»، «مدیریت ریسک» و «مدیریت ارتباط با ذی‌نفعان خارجی» از جمله فرایندهای مدیریتی می‌باشند.

5. Stages of the strategic process

۶. Initial Analysis: همچنین این فرایند داده‌های مرتبط را برای تشخیص فرصت‌ها و خطرها، تجزیه و تحلیل و بررسی می‌کند. هدف از این کار، درک چشم‌انداز کنونی برای دستیابی به دیدی مناسب برای تصمیم‌گیری در آینده و رسیدن به تصمیم‌های بلندمدت سازمان است.

۷. Strategy Formulation: براساس اطلاعات موجود، می‌توان اولویت‌بندی اهداف را آغاز کرد و برای هر یک، استراتژی طراحی کرد.

8. Strategy Implementation

امکان ارزیابی استراتژی فراهم گردد.[۱]

مدیریت فرایندگرا:[۲] یک سازمان فرایندگرا به‌طور مستمر و پیوسته بهینه‌سازی فرایندهای خود را انجام می‌دهد؛ زیرا «فرآیندمحوری، روشی دائمی و فراگیر است» (Lamb, 1984: 171). در مدیریت فرایندی، وظیفهٔ اصلی مدیر «برنامه‌ریزی» و «کنترل» استراتژیک می‌باشد.

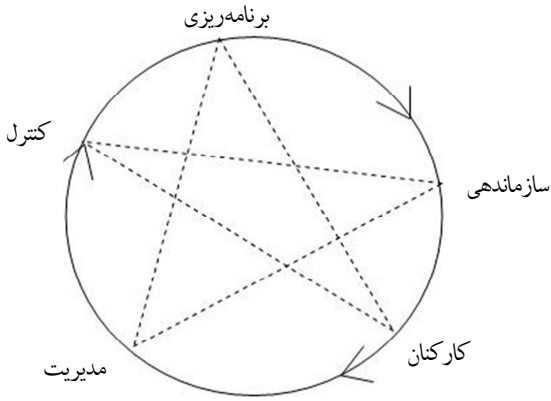

شکل ۱. چرخهٔ مدیریت استراتژیک فرایندی

آشنایی با سازمان وکالت

تاریخچهٔ سازمان

حیات شیعه و تبدیل شدن آن به تمدن شیعی[۳] را باید با مطالعهٔ دوران قبل از غیبت و نحوه آماده‌سازی شیعیان برای ورود به دوران غیبت جست‌وجو کرد. یکی از شاخصه‌های این مبارزه تمدنی، «شبکهٔ وکالت[۴] ائمه» بوده است. بعد از حادثهٔ عاشورا، امام سجاد(ع) با تغییر رویکرد

۱. strategy evaluation: سازمان باید به دنبال موفقیت مداوم باشد و این امر نیز باید جزئی از فرایند استراتژی قرار گیرد. نتایج ارزیابی استراتژی کمک می‌کند تا در آینده استراتژی‌های بهتری طراحی‌کرد.

2. Process based Approach

۳. تمدن شیعی امروزه دوران مقدمات تحقق خود را می‌گذراند و تلاش دارد با شناخت عناصر تاریخی خود، راه تکمیل زنجیرهٔ تمدن‌سازی را با موفقیت به انجام رساند.

۴. وکالت در لغت به معنای «تفویض و واگذاری کاری به کسی و اعتماد کردن به او» آمده (عمید، ۱۳۸۹: ۱۰۵۴) و در منابع فقهی، وکالت را «واگذاری انجام کاری به دیگری و نائب کردن او برای تصرف در یک امر یا تفویض و واگذاری ←

سیاسی، به جای قیام و مبارزهٔ مسلحانه، شیوه‌ای فکری و فرهنگی را در پیش گرفت و از طریق آموزش، تربیت اخلاقی و به‌ویژه دعا و مناجات، به مقابله با هجمه‌های فکری و تبلیغاتی بنی‌امیه پرداخت (مفید، ۱۴۱۴: ۲۲۲/۲). البته از پیروان آن حضرت و نمایندگان وی نیز نام‌هایی باقی است (کشی، ۱۴۰۲: ۱۰۶). در سایهٔ این تدبیر بود که سازمان وکالت پایه‌ریزی شد و با پیدایش زمینه‌ها، کم‌کم رشد کرد. این شرایط در دورهٔ فترت پایان بنی‌امیه و آغاز بنی‌عباس، فرصت و سرعت بیشتری برای رشد پیدا کرد.[۱]

وکالت در دوران امامان شیعه از مهم‌ترین ابزارهای ارتباطی برای انتقال دستورات امامان به پیروانشان بود. در دوران امام علی(ع) و امام حسن(ع) این سیستم به صورت ابتدایی وجود داشت، اما در دوران امام حسین(ع) و امام سجاد(ع) ساختار آن نهادینه شد. امام باقر(ع) و امام جعفر صادق(ع) به‌ویژه در تقویت و گسترش این شبکه نقش پررنگی داشتند. پس از تأسیس «سازمان دعوت عباسیان» و دعوت از مسلمین حول محور مبارزه با بنی‌امیه که به نام ائمه و به کام اهداف سیاسی خودشان شکل گرفت، امام صادق(ع) با احساس خطر از این اقدام عوام‌فریبانه (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲۵۸/۲)، از طریق به کارگیری شاگردان برگزیدهٔ خود و تأسیس سازمانی منظم، ابتکار عمل در حوزه عملکرد شیعیان و نگهبانی از این میراث را به دست گرفت.[۲] در عصر امام کاظم(ع)، این سازمان با مشکلاتی همچون دستگیری و شکنجهٔ حضرت و برخی از وکلا مواجه شد (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۲۹)، ولی با وجود این، نواحی تحت پوشش وکلا و محدوده اقتدار آنان، با تشدید فعالیت‌ها گسترش یافت. پس از سال‌های طولانی حبس امام کاظم(ع) و در اواخر حیات او، فرقه‌ای به نام «واقفیّه» شکل گرفت که با سوء استفاده از اعتماد و اعتبار کسب‌شده، عقاید انحرافی طرح کردند (طوسی، ۱۴۱۲: ۴۲). اگرچه این اندیشهٔ باطل دوام چندانی نداشت و از بین رفت (شهرستانی، ۱۹۹۰: ۲۲۹/۱)، اما ضربه‌ای مؤثر بر پیکره سازمان

→ امری به دیگری، برای آن که در زمان حیاتش آن را انجام دهد» تعریف کرده‌اند (جباری،۱۳۸۲: ۳۵/۱)، به بیان بهتر، وکالت عبارت است از واگذاری کاری یا ارجاع ساماندهی و پیشبرد امری از امور به غیر؛ تا در زمان حیات موکّل انجام دهد (طوسی، ۱۴۱۲: ۲۱۰).

۱. شیعیان امامیه در آن زمان با رقبای داخلی در جناح‌بندی‌های شیعه مواجه بودند. فرزندان امام حسن(ع) به رهبری عبدالله‌بن حسن، ادعای ریاست بر شیعه و مهدویت محمد نفس زکیه را داشتند (ن.ک. به: ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵ق: ۲۱۲).

۲. مانند معلّی‌بن خنیس که از یاران و وکلای امام صادق(ع) بود. چون اموالی که از امام پیش او بود، تحویل حکومت نداد، کشته شد (کشی، ۱۴۰۲: ۲۵۷-۲۵۹).

وکالت وارد آورد (نوبختی، ۱۹۳۶: ۸۵). امام رضا(ع) با رفع این مشکل و حل آن، سازمان را گسترش داد و وظایف جدیدی برای آن تعریف کرد. وکلای وی در قم، کوفه، بغداد و سایر نقاط به فعالیت مشغول بودند (مسعودی، [بی‌تا]: ۲۱۳). امام جواد(ع) نیز در راستای بسط و گسترش تشیع، با حرکتی کاملاً محرمانه و سرّی، وکلایی در مناطق گوناگون و قلمرو بزرگ عباسیان تعیین کرد و کارگزاران و وکلایش در بسیاری از ولایات مانند سیستان، بست، ری، کوفه و قم فعالیت داشتند (کلینی، ۱۳۷۷: ۵۴۸/۱، ۱۱۱/۵). امام هادی(ع) در شرایط امنیتی و پلیسی حاکم علیه امامین عسکریین(ع)، این تشکیلات را در دوران اوج فعالیت و گستردگی خود قرار داد. پس از شهادت امام جواد(ع) در سال ۲۲۰ق، وکلای برجسته جلسه‌ای سرّی در منزل «محمد بن فرج» تشکیل دادند تا امام هادی(ع) را به عنوان پیشوای جدید معرفی کنند (کلینی، همان، ۳۲۴/۱). پس از شهادت امام حسن عسکری(ع) و در شرایط غیبت امام دوازدهم، نواب چهارگانه به هدایت فعالیت‌های سازمان در دوران غیبت صغری پرداختند و توانستند راه ارتباطی مطمئن و کارگشایی میان ناحیه مقدسه و شیعیان فراهم آورند (طوسی، ۱۴۱۲: ۶۴۱).

اهداف سازمان

کلیدی‌ترین اهداف سازمان را می‌توان در سه عنوان خلاصه کرد: ۱. تأمین نیازهای شرعی، مالی و امنیتی شیعیان؛ ۲. هدایت سیاسی-مذهبی شیعیان در اوج اختناق عباسیان؛ ۳. حفظ انسجام و میراث مکتب تشیع.

رسالت و وظایف سازمان

نخستین رسالت شبکه وکالت، رساندن پیام امام معصوم به شیعیان بوده است؛ پیام‌هایی با مضامین: **الف**. ولایت‌پذیری در قالب اطاعت از وکلا؛ **ب**. رعایت نظم و انضباط کاری؛ **ج**. التزام به همهٔ احکام شریعت؛ **د**. صبر و انتظار فرج. دومین وظیفهٔ اصلی و جدی وکلا، مدیریت مسائل مربوط به امور مالی بود. این وظیفه در بین آنان به حدی جدی بود که برخی پژوهشگران تنها وظیفهٔ این شبکه را امور مالی دانسته‌اند. این وکلا چون دارای حق نمایندگی از سوی ائمه(ع) بودند، طبیعی است که در امتداد این نمایندگی، اذن دخالت در سایر امور شیعیان منطقهٔ جغرافیایی خود را داشتند؛ به همین دلیل این افراد از نظر وزن تأثیرگذاری بر امور شیعیان

منطقهٔ خود، از اعتبار ویژه‌ای برخوردار بودند؛ که این حق به آنان مسئولیت‌های متعددی را به همراه داشت. وظایف و دستور کار سازمان وکالت را به‌طور خلاصه می‌توان این‌گونه بیان کرد: **الف.** راهنمایی و هدایت مستمر جمعیت شیعه با توجه به گستردگی سرزمین‌های اسلامی و دشواری ارتباط میان امام و امت؛ **ب.** حفظ جان امام و شیعیان از سیستم خفقان و سرکوب سیاسی بنی‌عباس (مفید، ۱۴۱۴: ۳۱۲/۲)؛ **ج.** رسیدگی به امور مالی شرعیه شیعیان و مدیریت جمع‌آوری و مصرف خمس و زکات و غیره (طوسی، ۱۴۱۲: ۶۰۵)؛ **د.** ایجاد آمادگی ذهنی و عملی در جامعه شیعه و تأنیس آنان با دوران غیبت (نعمانی، ۱۳۶۳: ۲۳۴)؛ **هـ** نشر و گسترش فرهنگ صحیح شیعی و تلاش برای برخوردار کردن امت از تربیت درست اسلامی.

اصول حاکم بر سازمان

الف. تقیّه و پنهان‌کاری: یکی از شیوه‌های مبارزاتی ائمه با مخالفان در عصر خفقان، شیوهٔ تقیّه یا مبارزه مخفی بوده است.[۱] تقیه در اسلام از زمان بعثت پیامبر تا پایان غیبت صغری در موارد لزوم اهمیت داشته است. با نگاهی به تقیه، درمی‌یابیم که اوج و سازماندهی آن از دوره امام باقر(ع)[۲] و به‌ویژه امام صادق(ع) به دلیل سخت‌گیری‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس بروز کرده (کلینی، ۱۳۷۷: ۴۹۶/۳) و هرچند تعبیر «سازمان زیرزمینی» یا «التنظیم السرّی» محصول پژوهش‌های معاصر است (جباری، ۱۳۸۲: ۱۱/۱)، متون کهن با گزارش‌های فراوان از فعالیت‌های مخفیانهٔ شیعیان، نشان می‌دهند که تأکید ائمه(ع) بر تقیه، ضامن بقای این ساختار پنهان بوده است (کلینی، ۱۳۷۷: ۴۸۰/۳).

ب. انتخاب وکلا توسط شخص امام: در انتخاب وکلا، امامان نظر نهایی را صادر می‌کردند. گاهی وکلای ارشد نیز در انتخاب دیگر وکلا نظر می‌دادند، ولی در نهایت امام(ع) وکیل را طی نامه‌ای به دیگر وکلا و سرشناسان نواحی معرفی می‌کرد (طبرسی، ۱۳۸۶: ۴۶۹/۲-۴۷۰).

ج. نظارت مستقیم امام بر وکلا و مراقبت از آنان: ائمه با هدف حفظ سازمان از آسیب‌های

---

۱. وکلای آنجا که نیازی به آگاهی دیگر وکلا و شیعیان از کار آنها نبود، چنان مراعات تقیه را می‌کردند که گاه دیگر وکلا و شیعیان مدت‌ها از وکالتشان بی‌اطلاع بودند؛ چنان‌که «نصربن قابوس لخمی» بیست سال وکیل امام صادق(ع) بود، ولی وکالت او بر کسی معلوم نبود (طوسی، ۱۴۱۵: ۳۲۴) و گاه شیعیان از کنار یکدیگر می‌گذشتند، ولی برای اینکه شناخته نشوند، به همدیگر سلام نمی‌کردند (اربلی، ۱۴۲۱: ۴۱۴/۲).

۲. فرزندان امام حسین(ع) که پس از حادثه کربلا در اقلیت قرار گرفته بودند، با تعلیمات امام سجاد(ع) و امام باقر(ع)، برای افزایش پیروان خود تلاش‌کردند. فعالیت‌های غالب شیرازی -از اصحاب امام باقر(ع)- در خراسان، نمونه‌ای از فعال بودن این دسته از شیعیان است (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۱۴۳/۵).

احتمالی و انجام به‌سامان امور، بر وکلا نظارت مستقیم داشتند و از آنان مراقبت می‌کردند.[۱]

د. نظم و تدبیر در امور: مدیریت در سازمان وکالت، به مثابه هرمی بود که امام(ع) به عنوان رهبر، در رأس آن قرار داشت و بقیهٔ افراد زیر نظر او فعالیت می‌کردند.[۲]

هـ اطاعت محض از امام: نقش محوری ائمه در رأس سازمان وکالت و تداوم پویایی و گسترش تدریجی آن، حاکی از اطاعت محض وکلا و اعتقاد آنان به امام بود. بر این اساس، در چارچوب اهداف سازمان، نظم و هماهنگی و عدم انحراف جاری بود.[۳]

و. کناره‌گیری از قیام‌ها: در قاموس ائمه(ع)، فعالیت‌های نظامی برای کسب قدرت از هر طریقی اهمیت نداشت (ن.ک. به: هادی‌منش، ۱۳۸۴: ۲۴)؛ چنان‌که امام صادق(ع) پیشنهاد رهبری سیاسی از سوی ابوسلمه –از رهبران قیام عباسی– را نپذیرفت.[۴]

منابع مالی سازمان وکالت

منابع مالی سازمان وکالت از طریق خمس، زکات و دیگر وجوهات دینی تأمین می‌شد. وکلا

---

۱. این نظارت به شیوه‌های مختلف بود. برای نمونه، رفتار مردم با وکیل امام عسکری(ع) در نیشابور، سبب شد امام به شیعیان آنجا نامه بنویسد و وکیل خود را تأیید کند (طوسی، ۱۴۱۵: ۵۱۳-۵۱۴). در برخی مواقع نیز مراقبت از وکلا برای دفع خطر از آنان بود؛ چنان‌که «علی‌بن یقطین» از وکیلان امام کاظم(ع)، لباس‌ها و اموالی را نزد وی فرستاد و امام به‌جز یکی از لباس‌ها، همه را پذیرفتند که با این اقدام و تدبیر، جلوی خشم هارون و صدمه به او را گرفتند (مفید، ۱۴۱۴: ۳۱۶/۲).

۲. جباری، ۱۳۸۲: ۱۷۵/۱. برای مثال، وکیل ارشد عصر امام جواد، «محمدبن‌فرج» بود. امام به او وصیت کرد که پس از وفاتش، از امام هادی فرمان گیرد (ابن‌شهرآشوب، ۱۳۷۹: ۳۸۹). در دوره غیبت صغری نیز نواب اربعه وکلای ارشد محسوب می‌شدند. مثلاً عثمان‌بن سعید از دورهٔ امام عسکری وکیل ارشد بود (طوسی، ۱۴۱۵: ۵۸۰). وی ادارهٔ امور سازمان وکالت را با مرکزیت بغداد، با کمک سه معاون انجام می‌داد و نیز بر فعالیت وکلای نواحی نظارت داشت (صدوق، ۱۴۰۵: ۴۸۴/۱-۴۸۹).

۳. ائمه برای حفظ موقعیت سازمان، همواره وکلا و پیروان را به اطاعت از امام خویش و حفظ سیاست‌ها، اهداف و برنامه‌های سازمان فرا می‌خواندند و اوامر ائمه به وکلا، حجت و لازم‌الاجرا بود. برای نمونه، امام عسکری(ع) خطاب به اسحاق‌بن اسماعیل و شیعیان نیشابور، برای توضیح نقش امامت در هدایت امت اسلامی، تشریح ضرورت و اهمیت پیروی از امامان و هشدار درباره سرپیچی از فرمان امام، نامه نوشت (مجلسی، ۱۳۶۲-۱۳۷۴: ۲۱۹/۵۰-۲۲۳). از دیگر سو، آنان فرمان‌برداری وکلا را نیز می‌ستودند. برای نمونه، امام جواد(ع) پس از درگذشت محمدبن سنان، او را به سبب اطاعت‌پذیری از امامش ستود (طوسی، ۱۴۱۲: ۳۴۸).

۴. چون معتقد بود رهبران قیام هدفی جز رسیدن به قدرت ندارند و اگر شعار طرفداری از اهل بیت می‌دهند، صرفاً به منظور جلب حمایت توده‌های شیفتهٔ آنان است؛ به‌همین دلیل امام در پاسخ او نوشت: «نه تو از یاران منی و نه زمان، زمانهٔ من است» (شهرستانی، ۱۹۹۰: ۱۵۴/۱). بنابراین به یاران خود فرمود: «زبان‌های خود را نگه دارید و از خانه‌هایتان بیرون نیایید؛ زیرا آنچه به شما اختصاص دارد –حکومت راستین اسلامی– به این زودی به شما نمی‌رسد!» (مجلسی، ۱۳۶۲-۱۳۷۴: ۱۳۹/۵۲).

موظف بودند به جمع‌آوری این منابع بپردازند و در مصرف صحیح آنها براساس دستورات امام عمل کنند. البته در این میان، ضعف در نظارت و امکان سوءاستفاده‌های مالی و سیاسی، یکی از چالش‌های اصلی در میان برخی وکلا بوده است.[۱]

تأثیرات اجتماعی و سیاسی شبکهٔ وکالت

شبکه وکالت ائمه(ع) نهادی سازمان‌یافته با کارکردی فراتر از انتقال آموزه‌های دینی بود و کارکردی مدیریتی و نظارتی در ساماندهی حیات اجتماعی جامعه شیعه داشت. وکلا به عنوان نمایندگان امامان، در اختناق حاکم، وظیفهٔ هدایت امور شیعیان، مقابله با جریان‌های انحرافی و صیانت از جامعهٔ شیعه در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی را برعهده داشتند.[۲] این ساختار به‌ویژه در آستانه دوران غیبت، با ایجاد نظامی منسجم و خودکفا، علاوه بر ایفای نقش دینی، در مدیریت مسائل اجتماعی و تثبیت هویت جمعی شیعیان نقشی اساسی ایفا کرد.[۳] تلاش‌ها و زحمات امام عسکری(ع) در این زمینه مانند گوهری می‌درخشد. او با تلاش فراوان شیعه را تا ابد بیمه کرد و آنان را از شک و تردید و گمراهی بعد از خود نجات داد و به طریق مستقیم هدایت کرد (مفید، ۱۴۱۴: ۴۸۳/۲).

بررسی انطباقی

ساختار مدیریتی: سازمان وکالت همچون دیگر سازمان‌های نظام‌مند که در پی انجام هدف مشترکی می‌باشند، دارای شالوده‌ای منظم و منسجم بود. *الکامل* ابن‌اثیر و سایر منابع معتبر گزارش‌هایی درباره ارتباط مخفیانهٔ پیروان امامان با آنان ارائه کرده‌اند و به مواردی چون نقش یاران امامان در انتقال پیام‌ها و جمع‌آوری وجوهات شرعی برای امام اشاره دارند[۴] که شواهدی

---

۱. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که در دوره‌هایی، به‌ویژه در عصر غیبت صغری، به دلیل گستردگی شبکه وکالت و محدودیت دسترسی مستقیم به امام، نظارت کامل بر عملکرد همهٔ وکلا همواره امکان‌پذیر نبود؛ به همین دلیل برخی افراد با ادعای نادرست نیابت یا سوءاستفاده از موقعیت وکالت، موجب بروز اختلافات و بحران‌هایی در درون جامعه شیعی شدند (طوسی، ۱۴۱۲: ۶۳۷-۶۴۱).

۲. مانند ابوعلی حسن‌بن راشد که امام هادی(ع) فرمان‌برداری از او را فرمان‌برداری از خود می‌دانست (طوسی، همان، ۶۰۸).

۳. امام جواد(ع) در مورد وکیل خود «زکریا بن آدم» فرمود؛ او برای خداوند و رسولش که برعهده او واجب شده بود، قیام کردو ... عهدشکنی نکرد (طوسی، ۱۴۱۲: ۶۰۴).

۴. همهٔ مردم به سبب سیاست تقیه، شخص سفیر را نمی‌شناختند، اما شیعیان مخلص و امین با او آشنایی داشتند. از این رو، دیگران با چند واسطه مشمول راهنمایی سفیران قرار می‌شدند و آنها نیز مسائل مهم فقهی و دینی (و اجتماعی) را با ←

از ساختارمند بودن این شبکه ارائه می‌دهند. این ساختار را می‌توان مانند هرمی ترسیم کرد که رأس آن را رهبر سازمان یعنی امام(ع) تشکیل می‌داد و هرچه به سمت قاعدهٔ هرم می‌رفت، از بار مسئولیت افراد کاسته و بر تعداد اعضا افزوده می‌شد (جباری، ۱۳۸۲: ۱۷۵/۱). ائمه(ع) به عنوان رهبران این شبکه، ادارهٔ تمام کنش‌های آن را زیر نظر داشتند و وظیفهٔ: ۱. تعیین و نصب وکلای ارشد و وکلای نواحی؛ ۲. ترسیم وظایف عادی و ویژهٔ آنان؛ ۳. بررسی عملکرد وکلا و راهنمایی مستمر آنان؛ ۴. رسیدگی به اتهامات وارده بر وکلا؛ ۵. معرفی وکلا به جامعه؛ ۶. عزل وکلای فاسد و خائن[1] و گاه خودخوانده (طوسی، ۱۴۱۲: ۶۱۱)؛ ۷. دفع خطرهای سیاسی–امنیتی از سازمان؛[2] ۸. تأمین مالی وکلا؛ ۹. معرفی و خنثی کردن جریان‌های دروغین وکالت[3] و بابیّت و غیره را برعهده داشتند (جباری، ۱۳۸۲: ۱۸۷/۱).

پس از امام، وکلای ارشد (وکیل الوکلا) قرار داشتند که نقش ناظر بر عملکرد وکلای نواحی مختلف را ایفا می‌کردند و پس از وکلای ارشد، وکلای نواحی بودند که در مناطق مهم مستقر می‌شدند و یک ناحیه را سرپرستی می‌کردند. برای تقسیم کار و تعیین حوزهٔ فعالیت وکلا، پهنهٔ وسیع جهان اسلام از نظر اداری، به‌جز منطقه اندلس که پیدایش تشیع در آن به صورت حرکت‌های مقطعی و منطقه‌ای بود (ن. ک. به: دعوتی، ۱۳۷۵: ۱۳)، به پنج منطقه بزرگ تقسیم شده بود که عبارت بود از: ۱. عراق عرب و توابع آن؛ ۲. حجاز، یمن و مصر؛ ۳. آذربایجان و ارّان؛ ۴. قم، دینور و توابع آن؛ ۵. ری، خراسان و توابع آن.

هر ناحیه به یک وکیل مستقل یا وکیل محلی واگذار می‌شد و کارگزاران و وکلای محلی

→

بزرگان شیعه در میان می‌گذاشتند تا از این راه، تعالیم امام را به تمام شیعیان برسانند (طوسی، ۱۴۱۲: ۲۲۷).

۱. برای مثال، در عصر غیبت صغری یکی از اطرافیان یکی از وکلای ارشد به جاسوسی نزد حاکم رفت و فعالیت‌های وکلا و جمع‌آوری اموال توسط آنان و اسامی همه وکلای نواحی را فاش ساخت. عبیدالله‌بن سلیمان (وزیر معتضد عباسی) که از فعالیت مخفیانه وکلا مطلع‌گردید، تصمیم به دستگیری وکلا و در پی آن، آزار و اذیت و مجازات آنان گرفت (مجلسی، ۱۳۶۲-۱۳۷۴: ۳۱۰/۵۱).

۲. متوکل عباسی (۲۳۲-۲۴۷ق) از طریق جاسوسان خود به وجود شبکهٔ وکالت و فعالیت‌های وسیع آن پی برد و درصدد دستگیری اعضای این تشکیلات و قلع و قمع آنان برآمد. برای این کار، عاملان خلیفه در سراسر بلاد دست به کار شدند. آنان به هر کس از وکلای حضرت دست می‌یافتند، بی‌هیچ عفو و اغماضی او را به شهادت می‌رساندند (ن.ک. به: حسین، ۱۳۸۶: ۸۳-۸۵).

۳. «محمدبن فرات‌بن احنف جعفی»، «احمدبن محمدبن سیار»، «علی‌بن حسکه حوار قمی»، «قاسم شعرانی یقطینی قمی»، «حسن‌بن محمد بابای قمی»، «اسحاق احمر»، «باقطانی»، «ابومحمد حسن شریعی»، «محمدبن نصیر نمیری» و «شلمغانی» از افرادی‌اند که در منابع از آنان با عنوان مدعیان دروغین وکالت در دوران فعالیت سازمان وکالت یاد شده است (طبری صغیر، ۱۴۱۳: ۵۲۰).

تحت نظر وکیل ارشد منصوب می‌شدند (دشتی، ۱۳۸۴: ۱۰۹). وکلا براساس فاصلهٔ مناطق شیعه‌نشین و محل زندگی امامان، میزان اختناق و فشار دستگاه حاکم، در دسترس بودن یا نبودن ائمه(ع) و بسترسازی اجتماعی برای آمادگی علمی و عملی شیعیان برای برخورد با مسئلهٔ غیبت، انتخاب می‌شدند. نصب و عزل وکلای نواحی، انتخاب جانشین برای وکلای فوت‌کرده، نظارت بر رفتار آنها (به‌ویژه عدم مداخله در حوزه جغرافیایی وکلای دیگر)، پوشش مالی-دینی وکلا، أخذ و جمع‌آوری وجوهات شرعی و چگونگی توزیع آن بین شیعیان، از جدی‌ترین وظایف وکلای ارشد سازمان بود (مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۸: ۱۶). نکتهٔ مهم اینکه همهٔ وکلا و نمایندگان دارای وزن و مسئولیت و نقش واحدی نبودند؛ برخی از این وکلا از صحابی خاص ائمه و دارای جایگاه علمی-مذهبی خاصی بودند.[۱] نظم و انضباط حاکم بر ساختار این سازمان، برخورداری از راهبری امامان شیعه که از نظر تاریخی و جامعه‌شناختی، الگوی شایسته‌ای در مدیریت جوامع انسانی است و از دیگر سو، جنس رابطه‌ای که بین راهبر و راهرو در این شبکه وجود داشت، سبب توسعه و امتداد تاریخی این نهاد به مدت دو قرن تا آغاز دوران غیبت-کبری شد. بُعد مسافتیِ میان مراکز شیعه‌نشین در جغرافیای آن روز جهان اسلام، نشان از گسترش کمّی و کیفی جمعیت شیعی دارد (ابن‌شهرآشوب، ۱۳۷۹: ص۲۲۵) که این افزایش نشانگر نتیجه‌بخش بودن تلاش‌ها و کوشش‌های ائمه(ع) در تعمیم شبکه و گشودن چتر علمی، مالی و امنیتی در نقاط مختلف شیعی‌نشین بود (کلینی، ۱۳۷۷: ۱ / ۴۷۵).

شکل ۲. هرم مدیریتی شبکه وکالت

۱. از نمونه‌های این وکلای مبرز، با توجه به ارزش علمی و عملی و تأثیرگذاری‌شان در جریان این تمدن‌سازی، باید به چهار نماینده مخصوص و وکلای امام زمان(عج) در عصر غیبت صغری اشاره‌کنیم. مقبولیتی که آنان داشتند و نقشی که در رابطه با شیعیان برعهده آنان بود، خیلی فراتر از بسیاری از وکلا در جغرافیاهای متفاوت در جهان اسلام بود.

از سوی دیگر، هرچه به زمان آغاز دورهٔ غیبت نزدیک می‌شویم، فشار و خفقان دستگاه حاکم بیشتر می‌شود؛ ائمه(ع) در محاصره قرار داده می‌شوند و دسترسی مردم به آنان بیشتر از پیش محدود می‌شود. از این رو، در آن سال‌ها شبکه ساختاری منظم‌تر و گسترش چشم‌گیرتری پیدا کرد (ن.ک. به: عباسی و محمدپوری، ۱۳۹۱: ۵۷-۵۹) و از نظر سطح پوشش، جغرافیای سرزمین اسلامی را پوشش همه‌گیرتری داد. در حقیقت، در میان خفقان خلفای عباسی، این شبکهٔ وکالت بود که تضمین بقای تفکر شیعی و پیروان آن را برعهده گرفت. در دوره امامین عسکریین، شبکه علاوه بر قابلیت‌های معمول، فعالیت‌های فرهنگی را نیز سرلوحهٔ رفتار خود قرار داده بود. تربیت نیروهای خلاق و فداکار و افزایش میزان آموزش‌های افراد برای ایجاد آمادگی‌های بیشتر به منظور رویارویی با فضای جدیدی که با غیبت آغاز می‌شد، از آن جمله بود. غیبت امام(ع) و در دسترس نبودن او در جامعه، امکان به وجود آمدن شبهات عقیدتی را فراهم و نحله‌های فکری، مذهبی و کلامی را ترویج کرد و عقاید مختلفی را که منجر به سستی در عقاید مردم می‌شد، به وجود آورد، اما مدیریت فکری و انسجام دادن به تحولات این شبکه توسط امام هادی(ع)، توانست این خطر را از کانون تشیع دور کند.[۱]

بررسی انطباقی

مرحلهٔ اول: بررسی محیطی

اختناق حاکم بر جامعه اسلامی در سال‌های حکومت خلفای عباسی به دلیل واهمهٔ حاکمان از افکار عمومی و قضاوت شدن آنان، سبب شده بود تا با مردم و به‌ویژه شیعیان به تندی برخورد کنند؛ زیرا از یک سو حکومت عباسی با کشتار و تسویهٔ سنگین حاکمان اموی و وابستگان سببی و فکری خودشان، دوست‌داران خود و مردم نواحی شام را از دست داده بودند و از دیگر سو با حذف فیزیکی ابومسلم خراسانی، بخش دیگر سرزمین اسلامی یعنی خراسان را از خود رنجانده بودند و البته به این مجموعه، نارضایتی شیعیان را نیز باید افزود (عبادی، ۱۴۰۱: ۱۴۸). عباسیان در نبرد با امویان، با شعار «الرضا من آل محمد» جمعیت عظیمی از علویان و مردم عادی دیگر را با

۱. اهداف امام هادی در بسط و گسترش سازمان وکالت، بسترسازی فرهنگ انتظار، رفع چالش‌های فرهنگی و اعتقادی جامعه، رسیدگی به وضعیت شیعیان و ارتباط با آنان و ایجاد پویایی در بین شیعیان در عصر اختناق بود (اکبری مقدم، ۱۳۹۳: ۴۵).

وعده حکومت شیعی و سپردن آن به اهل بیت، با خود همراه کرده بودند و اینک پس از رسیدن به قدرت، با کنار زدن اهل بیت و ظاهر کردن نیت خود، خویشتن را با حقارت قضاوت عمومی همراه کرده بودند و این همه بیش از پیش سبب شده بود حکومت عرصه را بر شیعیان سخت بگیرد. عقده حقارت عباسیان به دلیل ناشناس بودن آنان در میان مسلمانان و استفاده از نام و اهمیت علویان برای رسیدن به قدرت، به شدت در رفتارهای سیاسی بعدی آنان بروز داشت.[۱] بنابراین در چنین فضایی، حکومت تمام توان خود را مصروف این کرده بود که با بالا بردن فشار اجتماعی-سیاسی بر ائمه شیعه،به مقصود خود یعنی کنترل تفکر شیعی و تأثیرگذاری بر آن برسد.

تحلیل انطباقی بررسی محیطی: مدیریت استراتژیک فرایندی بر واکنش مناسب در برابر شرایط محیطی تأکید دارد و سازمان وکالت که با ساختار غیرمتمرکز و غیررسمی اما هدفمند طراحی شده بود نیز در دوران اختناق و نظارت شدید عباسیان و با وجود پراکندگی شیعیان، توانست در برابر فشارها و سرکوب‌های حکومتی، کارآمدی و انعطاف‌پذیری استراتژیک از خود نشان دهد؛ بدین‌گونه که ائمه(ع) با تفسیر شرایط و وضعیت جامعهٔ چندتکّه و غیرمنسجم و دارای تفکرات مختلف و گاه متضاد و سیستم حکومتی به شدت سرکوبگر و درحالی‌که بخش عمده‌ای از این دوران -غیبت قهری امام از بین مردم- امکان هدایت و راهنمایی مستقیم امت را عملاً از آنان سلب کرده بود و تشخیص تهدیدات و چالش‌های شرایط فوق و پیش‌بینی مشکلات آینده، نسبت به راهبرد تشکیل سازمانی مخفی و گسترده که بتواند اهداف و رویکردهای مدنی و سیاسی تشیع را به صورت سیستماتیک به پیش ببرد، از تحمیل هزینه‌های سیاسی و اجتماعی بیشتر جلوگیری‌کند، مجاب شدند؛ تشکیلاتی سیال و سبک‌بار که ضمن درایت در تدبیر امور، بتواند مسائل و مشکلات جامعهٔ شیعی را در کوتاه‌ترین زمان ممکن، حل کند یا برای کسب تکلیف، به امام وقت منتقل کند.

مرحله دوم: تدوین استراتژی

ضروری بود شیعیان برای کاهش ریسک ارتباط مستقیم با امامان معصوم و حفظ جان و رابطه طرفین و به طریق اولی‌تر، حفظ مکتب شیعه، شبکهٔ وسیعی به عنوان واسطه بین امام و پیروانش ایجاد کنند. یکی از دلایل جدی که ضرورت ایجاد این شبکه را پیش آورد، اهمیت ارتباط‌گیری

۱. امام محمد غزالی در *کیمیای سعادت*، «خوار خویشتنی» را برای این رفتار آورده است (مرتضی عاملی، ۱۳۷۳: ۲۶).

بین ائمه معصومین و شیعیان و چگونگی آن بود؛ زیرا در هر ساختاری اعم از دینی، سیاسی یا اجتماعی، رابطهٔ درست و پیوسته بین رهبری و توده، یکی از ارکان امتداد تمدنی می‌باشد و پایداری، پویایی و کارآمدی هر سازمان و تشکیلاتی در گرو تلاش‌های پیوسته و هماهنگ حلقه‌ها و افراد آن است که با دلسوزی و هوشیاری به تعامل آگاهانه همدیگر بشتابند (ابن‌شعبه، ۱۳۸۷: ۳۷). رهیافت این ارتباط، شبکه‌سازی و توسعهٔ آن در اقصی‌نقاط سرزمینی بود که این شبکه از نظر علمی و فقهی نیز ضرورت رفع شبهات عقیدتی و فکری مورد نیاز مردم را از منبع اصلی در دسترس قرار می‌داد که از اقتضائات اولیه و نیازهای اصلی شیعیان در آن ایام بود.

تحلیل انطباقی تدوین استراتژی: در نظریه مدیریت استراتژیک فرایندی، سازمان‌ها براساس یک چشم‌انداز و اهداف کلان عمل می‌کنند. سازمان وکالت نیز دارای یک چشم‌انداز مشخص بود: حفظ و گسترش مکتب تشیع و ارتباط میان امام و پیروان در شرایط بحرانی. ائمه(ع) با تفکر ترویج تشیع و رتق و فتق امور سیاسی و مالی و فرهنگی و اعتقادی شیعیان، نسبت به ساختارسازی شبکهٔ مذکور اقدام کردند و با شبکه‌سازی از مجموعه افراد مؤمن و مورد وثوق خود، برای کنش‌های عمومی شیعیان و حل مشکل ارتباط‌گیری امام با امت، برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری کردند. مجموعه اهداف سازمان که پیشتر بیان شد، اساس و مبنای استراتژی بلندمدت سازمان را تشکیل می‌داد که با ساختار شبکه‌ای و به شکل مویرگی در بدنهٔ جامعه شیعیان اقصی‌نقاط جهان تشیع، به شکلی کاملاً علمی و سلسله‌مراتبی، ساری و جاری گردید.

در این شبکه، روابط بین اجزا براساس ارتباط خطی یا سلسله‌مراتبی با افراد بالاتر سازمان برقرار می‌شد و افراد هر طبقه، اطلاعات و نیازهای فکری و عقیدتی خود را از مافوق مستقیم خود دریافت می‌کردند. «وکلای به کار گرفته‌شده در سازمان، می‌بایست طبق دستورالعمل مشخصی که در ابتدای نصبشان به وکالت، از سوی امامان شیعه و کارگزاران اصلی آنها معین می‌شد، وظایف خاصی را در محدوده قلمرو خاصی انجام می‌دادند. آنان در صورت تخطی، از سوی رهبری سازمان مورد مؤاخذه واقع می‌شدند» (جباری، ۱۳۸۲: ۱۷۵/۱). ائمه(ع) با ایفای نقش رهبری در سازمان وکالت، تأثیری بسزا در جریان امور داشتند، اما تحقق منوّیات آنان مترتب بر شیوهٔ عملکرد دستیاران آنها، یعنی وکلای ارشد یا سروکیل‌ها بود که سایر وکلا تحت نظر آنها مشغول به کار بودند. «تدبیر در لحظه» و «انتقال مشکلات مهم‌تر به وکیل بالاتر» دو استراتژی اصلی سازمان را تشکیل می‌داد و وکیل مذکور به نسبت جایگاه سازمانی خود و علم و

آگاهی و تسلط بر امر، می‌بایست به یکی از دو روش فوق و عمدتاً به شکل «ارتباط مکاتبه‌ای» نسبت به حل مشکل پیش‌آمده اقدام آنی انجام می‌داد. پیک‌ها به‌طور متناوب میان وکلا و رهبری سازمان رفت‌وآمد می‌کردند و برای کاهش ریسک شناسایی، برای رساندن نامه‌ها و اموال و دریافت راه‌حل مشکلات، گاه از افراد عادی یا بازرگانان به عنوان فرستاده استفاده می‌شد.

مرحله سوم: پیاده‌سازی استراتژی

شبکه وکالت با طراحی و برنامه‌ریزی دقیق و براساس شرایط ویژهٔ دوران اختناق عباسی، به سرعت در سراسر مناطق مختلف اسلامی گسترش یافت. این شبکه به عنوان یک سیستم اجرایی برای انتقال پیام‌ها، جمع‌آوری وجوهات شرعی و برقراری ارتباط میان امام و شیعیان عمل کرد. وکلای امامان معصوم(ع) در قالب یک ساختار سلسله‌مراتبی و با استفاده از روش‌های ارتباطی مخفیانه، به مدیریت مشکلات و مسائل مختلف جامعهٔ شیعی می‌پرداختند؛ به‌ویژه در دوران غیبت امامان معصوم(ع)، شبکه ارتباطی شیعیان توانست نقشی حیاتی در حفظ انسجام و هویت تشیع ایفا کند و از بروز انحرافات فکری و سیاسی جلوگیری به عمل آورد. کارآمدی این شبکه نه تنها بر پایهٔ تجربه‌های تاریخی شیعیان شکل گرفته بود، بلکه با توجه به نیازهای فکری و دینی آن دوران، به صورت دقیق و مؤثر سازماندهی شد. سال‌ها مبارزه، مجاهدت، فداکاری و شهادت امامان معصوم(ع) و یاران نزدیک آنان، چارچوب یک حرکت اصیل و منسجم را فراهم کرد؛ حرکتی که با بهره‌گیری از شبکه‌سازی یاران، توانست سراسر سرزمین‌های اسلامی را پوشش دهد (جعفریان، ۱۳۸۶: ۵۴۷–۵۴۸).

تحلیل انطباقی پیاده‌سازی استراتژی: در مدیریت استراتژیک فرایندی، برنامه‌ریزی بلندمدت برای دستیابی به اهداف ضروری است. سازمان وکالت نیز براساس یک شبکهٔ گسترده و غیررسمی از وکلا، برنامه‌ای منسجم برای ارتباط بین امام و امت طراحی کرد. وجود شبکه‌های ساختارمند که وظیفهٔ انتقال پیام، جمع‌آوری وجوهات شرعی و ایجاد هماهنگی را برعهده داشتند، نشان از یک برنامه‌ریزی شبکه‌ای هدفمند دارد. رهبر چنین سازمانی می‌بایست لحظه‌ای از کمّ وکیف کار و سلامت و یا انحراف آن غافل نشود و در هر وضعیتی، تصمیم مناسب و مقتضی را اتخاذ کند (اکبری مقدم، ۱۳۹۳: ۶۲). گستردگی سرزمین و پراکندگی شیعیان،

تحرکات و نقشه‌های دشمن، مسائل مختلف و منحصر به فرد هر یک از مناطق و وصول پی‌درپی اخبار و نامه‌های وکلای مختلف از مناطق پنج‌گانهٔ تحت پوشش، مدیریت ارشد سازمان را نسبت به تدقیق و تدبر در امور و تصمیم‌گیری‌های روزمره و عادی و گاه سخت و چالش‌برانگیز دلالت می‌داد. مدیریت عالی سازمان به‌طور مستمر و پیوسته نسبت به تشخیص تهدیدات و فرصت‌های داخل و خارج مجموعه و حل مسائل و مشکلات شبکهٔ وسیع تحت نظر، اقدام می‌کرد و همواره با نظر به آینده و از طریق راهنمایی مدیران رده‌پایین، بر هدف‌های بلندمدت سازمان تمرکز می‌کرد. مدیران بلندپایه وظیفهٔ نظارت بر اداره و پیشبرد درست فرایندهای کوتاه‌مدت و روزمره، آگاهی از تهدیدها و بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌ها برای بهینه‌سازی آنها را مدّ نظر داشتند و به صورت شبانه‌روزی برای تحقق اهداف تلاش می‌کردند. استفاده از یاران نزدیک ائمه –مانند یاران امام صادق(ع)– و افراد قابل اعتماد برای انتقال پیام‌ها و جمع‌آوری وجوهات، نشان از اجرای دقیق برنامه‌ها دارد.

مرحله چهارم: ارزیابی استراتژی

پیاده‌سازی شبکهٔ وکالت و الزامات و مقدمات آن، بعدها منجر به ایجاد مراکز حدیثی و علمی بزرگ مثل مکتب ری، نجف و غیره شد. در حقیقت، این شبکه در عمل دانشگاه بزرگی بود که بالقوه این توانایی را داشت که نیازهای علمی و فکری شیعیان را برآورده کند و البته آنان را با مرکز مدیریت شبکه، یعنی امامان شیعه مرتبط سازد. از دیدگاه مطالعات تمدن‌محور، این شبکه چندمحوری با تکیه بر ابعاد و کارکردهای به کار رفته در آن، یکی از ابزارهای موفق حفظ موجودیت و گسترش مذهب تشیّع در بدنهٔ جامعه به شدت سنت‌گرای تحت حکومت عباسیان بود؛ تشکیلات سازمان‌یافته‌ای که گاه با احزاب سیاسی مدرن امروزی برابری دارد و البته عملکردی بس پیچیده و متنوع از نوع مدرن خود داشته‌است (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵: ۲۹۸/۱). علاوه بر این، سازمان وکالت از نظر کمّی و کیفی نشان از تجلی و بنیان‌گذاری مرحلهٔ جدیدی از حیات جامعه تشیع بود. از سوی دیگر، ائمه(ع) با استفاده از فرصت شبکه وکالت، جامعه شیعه را به آرامی در مسیر آموزش چگونگی برخورداری از رهنمودها و راهبری‌های ائمه معصوم طی دوران سخت و پرمشکل غیبت کبری قرار دادند. به بیان دیگر، ائمه با تأسیس و گسترش نظام وکالت، به‌تدریج به جامعهٔ شیعه آموختند که طی دوران غبارگرفته و مه‌آلود غیبت

کبری، چگونه باید هویت و انسجام خود را حفظ کنند؛ آن‌ها آموختند که چگونه باید در برابر حاکمان دستگاه جور از هویت و انسجام شیعی خود مراقبت‌کنند (دشتی، ۱۳۸۴: ۱۰۶) و چگونه مشکلات فکری، سیاسی و اجتماعی خود را حلّ و نظام مالی را که در سال‌های پیشین میان امام و امت تشکیل شده بود، همچنان فعال و پویا حفظ کنند (ادیب، ۱۳۸۶: ۲۹۶).

تحلیل انطباقی ارزیابی استراتژی: از ویژگی‌های مهم مدیریت استراتژیک فرایندی، حفظ انسجام در بحران‌هاست. سازمان وکالت با تکیه بر اصول قاعده‌مند و سیستماتیک، توانست انسجام درونی تشیع را در دوران مأمون و متوکل عباسی حفظ کند و ساختار غیررسمی آن، به سازمان امکان داد تا در شرایط فشار سیاسی، همچنان به فعالیت‌های خود ادامه دهد. با گذشت زمان، شبکهٔ وکالت به یکی از ابزارهای اساسی برای حفظ و گسترش مکتب تشیع تبدیل شد. در دوران غیبت کبری، این شبکه توانست نقشی حیاتی در ایجاد پیوند میان امامان معصوم(ع) و شیعیان و همچنین حفظ و تقویت هویت دینی شیعه ایفا کند. شبکه وکالت به‌طور خاص توانایی بالایی در پیشگیری از انحرافات فکری و سیاسی و مقابله با تهدیدات بیرونی و داخلی از خود نشان داد. برای نمونه، مراکز حدیثی و علمی نظیر مکتب ری و نجف به عنوان تجلیات این شبکه، در برقراری و استمرار گفتمان دینی شیعه مؤثر بودند. بر همین اساس، امامان معصوم(ع) به‌ویژه در دوران غیبت با استفاده از این ساختار به‌تدریج به شیعیان آموختند که چگونه در دوران غیبت کبری هویت خود را حفظ و از انحرافات جلوگیری کنند. این سازمان با حفظ میراث مکتب تشیع و انتقال آن به نسل‌های بعد، زمینه‌های فکری و فرهنگی لازم برای تمدن‌سازی شیعه را فراهم کرد.

پایان سازمان وکالت

نظری به کارنامهٔ سازمان وکالت نشان می‌دهد که این نهاد در طول حیات خود، هرچند نتوانست جان امامان و شیعیان را از فتنه‌ها و آشوب‌های دوران به‌طور کامل حفظ‌کند، اما توانست «به یکپارچگی شیعیان بیفزاید و خط سیر امامت و وظایف مردم نسبت به آن را روشن نگه دارد».[۱] پس از وصول به این مقاصد و تحقق اهداف ترسیم‌شده، با درگذشت وکیل

۱. تأملات حضرت امام جواد(ع) بر کار تداوم امامت و تدارک نامه‌های متعدد به بزرگان شیعه برای ایام بعد از خود (ن.ک. به: مفید، ۱۴۱۴: ۴۲۱/۲-۴۲۲).

چهارم و صدور توقیعی[۱] از سوی ناحیه مقدسه خطاب به وی -چند روز پیش از وفاتش- او موظّف شده بود دیگر برای به دست‌گیری جریان سفارت و نیابت جانشینی برنگزیند و در همان توقیع، پایان دوران غیبت صغری و آغاز دوران غیبت کبری (غیبت تامّه) اعلام‌گردید (صدوق، ۱۴۰۵ق: ۵۲۶/۲). با پایان یافتن دوران غیبت صغری و درگذشت آخرین رهبر شبکه وکالت (سفیر چهارم)، دوران فعالیت سازمان وکالت پس از دو قرن تلاش به پایان رسید و «سازمان فقاهت» در طول دوران غیبت کبری ادامه‌دهندهٔ راه سازمان وکالت تا عصر حاضر گشت (جباری، ۱۳۸۰: ۱۶۷) و سازوکار وکالت مانند وکلای چهارگانه در همهٔ اعصار غیبت کبری با همان وظایف و مسئولیت‌ها، توسط وکلایی با عنوان فقهای حضوری، قوی و محکم در رابطه با رهبری شیعیان و نظارت بر امور شرعی-مالی آنان ادامه داشته و دارد (دشتی، ۱۳۸۴: ۱۰۵). این سابقه تاریخی سبب شده است شیعیان در دوران غیبت کبری با وجود محدودیت‌ها، چه از نظر سیاسی و چه از نظر اجتماعی-فرهنگی، موقعیت خود را به عنوان یک مذهب مستقل و ممتاز، نسبت به سایر مذاهب حفظ کنند و صاحب یک رویه رفتاری شوند؛ و آن صفت ولایت‌پذیری است. ولایت‌پذیری شیعیان از وکلای دوران غیبت کبری (مجتهدین صاحب ولایت) و انضباط‌پذیری سیستماتیک در همهٔ این ادوار غیبت کبری، موجب گسترش فرهنگ شیعی شد (محمدی و سپهری، ۱۴۰۰: ۱۴۰).

نتیجه‌گیری

اختناق و خفقان دوران حکومت عباسیان فرصت مناسبی برای شیعیان فراهم آورد تا با شبکه‌سازی و ایجاد پوشش لازم برای فعالیت‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اعتقادی، جریان حیات‌بخش امتداد تمدنی خود را در قالب «سازمان وکالت» ساماندهی کنند. در حقیقت، ائمه(ع) این تهدید اجتماعی-سیاسی را به فرصتی تبدیل کردند تا شیعیان با آمادگی کافی وارد دوران غیبت کبری شوند و با این تمرین سازمان‌یافته و منسجم، صلابت فکری و عملی خود را برای سال‌های طولانی غیبت حفظ کنند. در این پژوهش با بررسی ساختار و سازمان شبکهٔ وکالت

---

۱. در بخشی از این توقیع آمده است: «ای علی‌بن محمد، خداوند پاداش برادران دینی تو را در مصیبت تو بزرگ دارد. تا شش روز دیگر خواهی مرد. پس امر حساب و کتاب خود را مرتب کن و درباره جانشینی این مقام نیابت به کسی وصیت مکن؛ زیرا غیبت دومی فرا رسیده است» (کلینی، ۱۳۷۷: ۵۱۶/۲).

ائمه، نشان داده شده است که این شبکهٔ عظیم با مهندسی دقیق و حساب‌شده، یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال نظام‌مندترین ساختارهای تشکیلات هرمی در جهان قدیم بوده و مدیریت آن، استراتژی‌های مورد نظر سازمان را با سازوکارهای فرآیندمحور اداره می‌کرد. با توجه به پراکندگی شیعیان در نقاط گوناگون، فراوانی پیروان شیعی در جغرافیای وسیع جهان اسلام، عدم‌امکان سفر برای همهٔ شیعیان و درک وجود و نَفَس ائمه(ع)، پیچیدگی‌های ارتباط امام و امت و مسئولیت‌های متعدد ائمه، این ساختار نظام‌مند توانست میراث شیعه را در سایهٔ فداکاری امامان(ع) حفظ و بسترهای لازم را برای ایجاد تمدن شیعه فراهم کند و مکتب تشیع را از میان بحران‌ها و چالش‌های خطرناک عبور دهد. بنابراین کوشش شد با انطباق جریان مدیریتی «سازمان وکالت» با مدل «مدیریت استراتژیک فرایندی»، تصویری درست و امروزین از روندهای اداره‌کرد شبکه ترسیم شود تا درک روشن‌تری از پیچیدگی‌های عملکرد مدیریت آن حاصل آید. این پژوهش نشان داد که سازمان وکالت با تکیه بر اصول مدیریت استراتژیک فرایندی، توانست اهداف مشخص و کلان خود را تعریف کند، برنامه‌ریزی منسجمی برای دستیابی به این اهداف انجام دهد، در شرایط بحرانی، انعطاف‌پذیری و کارآمدی خود را حفظ کند و با بهره‌گیری از مدل‌های شبکه‌ای و مدیریت غیرمتمرکز، یک نظام قاعده‌مند و مؤثر را پایه‌گذاری کند.

منابع و مآخذ

کتب و مقالات

- ابن‌اثیر، عزالدین (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، ج۵، ۶، ۸، بیروت: دار صادر.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵)، *مقدمه*، ج۱، ترجمهٔ محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن‌شعبه، حسن‌بن علی (۱۳۸۷)، *تحف العقول عن آل الرسول*(ص)، ترجمهٔ صادق حسن‌زاده، قم: انتشارات آل علی(ع).
- ابن‌شهرآشوب مازندرانی، علی (۱۳۷۹)، *مناقب آل أبی‌طالب*، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات علامه.
- ابوالفرج اصفهانی، علی‌بن حسین (۱۳۸۵ق)، *مقاتل الطالبیین*، شرح و تحقیق سید احمد صقر، بیروت: مؤسسه علمی مطبوعات.

- ادیب، عادل (۱۳۸۶)، *پیشوایان ما*، ترجمهٔ اسدالله مبشری، تهران: فرهنگ اسلامی.
- اربلی، ابوالحسن علی‌بن عیسی (۱۴۲۱ق)، *کشف الغمه فی معرفة الائمه*، با مقدمه احمد اشکوری، ج۲، قم: نشر الشریف الرضی.
- اکبری مقدم، لاله (۱۳۹۳)، «ساختار سازمان وکالت در عصر امام هادی(ع) و کارکردهای آن»، *فرهنگ پژوهش*، ش۱۹، صص۴۳-۷۲.
- جباری، محمدرضا (۱۳۸۲)، *سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه(ع)*، ج۱، ۲، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ..... (۱۳۸۰)، «سازمان رهبری شیعه در عصر غیبت»، *فصلنامه انتظار موعود*، س۱، ش۱، صص۱۵۷-۱۶۸.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۶)، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، تهران: مؤسسه انصاریان.
- حسین، جاسم (۱۳۸۶)، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم*، ترجمهٔ سید محمدتقی آیت‌اللهی، تهران: امیرکبیر.
- دشتی، محمد (۱۳۸۴)، «نقش سیاسی سازمان وکالت در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام»، *مجله فرهنگ جهاد*، ش۴۰، صص۱۰۲-۱۲۵.
- دعوتی، میر ابوالفتح (۱۳۷۵)، «تاریخ پیدایش تشیع در اندلس»، *کیهان اندیشه*، ش۷۰، صص۱۳-۲۲.
- شهرستانی، ابوالفتح (۱۹۹۰م)، *الملل و النحل*، تحقیق محمد سیدگیلانی، ج۱، بیروت: دارالمعرفه.
- صدوق، محمدبن علی‌بن حسین‌بن بابویه (۱۴۰۵ق)،*کمال الدین و تمام النعمه*، ج۱، ۲، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- طبرسی، أبی‌منصور احمدبن علی (۱۳۸۶)، *الاحتجاج*، تعلیق و ملاحظات السید محمد باقر الخرسان، ج۲، نجف الاشرف: دار النعمان للطباعة و النشر.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج۳، ۸، بیروت: روائع التراث العربی.
- طبری صغیر، محمدبن جریر (۱۴۱۳ق)، *دلائل الامامه*، تصحیح قسم الدراسات الاسلامیه، قم: نشر بعثت.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۴۱۲ق)، *کتاب الغیبه*، بیروت: دار الکتاب الاسلامی.
- ..... (۱۴۱۵ق)، *رجال*، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- عبادی، احد (۱۴۰۱)، «تحلیل گفتمان مشروعیت دولت عباسی در ولایتعهدی امام رضا(ع)؛ براساس رویکرد گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف»، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، دورهٔ ۱۳، ش۴۷، صص۱۴۱-۱۶۰.
- عباسی، مصیب و اکرم محمدپوری (۱۳۹۱)، «بررسی علل و انگیزه‌های تشکیل، عملکرد و محدودهٔ سازمان وکالت در عصر امام صادق و امام کاظم(ع)»، *پژوهش‌نامه تاریخ*، ش۲۶، صص۵۷-۸۸.
- عمید، حسن (۱۳۸۹)، *فرهنگ فارسی*، تهران: راه رشد.

- کشی، محمدبن عمر (۱۴۰۲)، *رجال*، ترجمهٔ حسن مبینی و فضل‌الله عبدالهی، تهران: نشر آماره.
- کلینی رازی، ابوجعفر (۱۳۷۷)، *اصول کافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ج۱-۳، ۵، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- گرانت، رابرت (۱۳۹۸)، *مدیریت استراتژیک با رویکردی امروزی*، ترجمهٔ آرش خلیلی نصر، تهران: آریانا قلم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲-۱۳۷۴)، *بحار الانوار*، ج ۵۰-۵۲، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- محمدی، عباسعلی و محمد سپهری (۱۴۰۰)، «شیعه امامیه و جریان سیاسی-فکری جامعه اسلامی از روزگار امام جواد(ع) تا غیبت صغری (۲۲۱-۲۵۶ق)»، *مطالعات تاریخ اسلام*، ش۴۸، صص۱۳۲-۱۵۶.
- مدرّسی طباطبائی، حسین (۱۳۸۸)، *مکتب در فرایند تکامل*، ترجمهٔ هاشم ایزدپناه، تهران: کویر.
- مرتضی عاملی، سید جعفر (۱۳۷۳)، *زندگی سیاسی امام علی‌بن موسی الرضا(ع)*، ترجمهٔ خلیل خلیلیان، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مسعودی، علی‌بن حسین‌بن علی [بی‌تا]، *اثبات الوصیه*، قم: بصیرتی.
- ..... (۱۴۰۹ق)، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، تحقیق اسعد داغر، ج۲، قم: دار الهجره.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۴ق)، *الارشاد (فی معرفة حجج‌الله علی العباد)*، ج۲، قم: دار المفید.
- نجاشی، احمدبن علی (۱۴۰۷ق)، *رجال*، قم: جامعه مدرسین.
- نعمانی، ابن‌أبی‌زینب (۱۳۶۳)، *غیبت نعمانی*، ترجمهٔ جواد غفاری، تهران: صدوق.
- نوبختی، ابومحمد (۱۹۳۶م)، *فرق الشیعه*، تصحیح محمدصادق آل بحرالعلوم، نجف: مطبعة الحیدریة.
- ویتینگتون، ریچارد (۱۳۹۷)، *چیستی راهبرد (درآمدی بر الگوهای شکل‌گیری راهبرد)*، ترجمهٔ بهمن حاجی‌پور و ماجد ناجی، تهران: سمت.
- هادی‌منش، ابوالفضل (۱۳۸۴)، «مبارزات سیاسی امام‌هادی(ع)»، *مبلّغان*، ش۶۹، صص ۱۰-۳۵.
- یعقوبی، احمدبن ابی‌یعقوب [بی‌تا]، *تاریخ الیعقوبی*، ج۲، بیروت: دار صادر.

منابع لاتین

- Chakravarti, Dipankar, Rajan Krish, Pallab Paul, and Joydeep Srivastava (2002), "Partitioned Presentation of Multicomponent Bundle Prices: Evaluation, Choice, and Underlying Processing Effects", *Journal of Consumer Psychology*, vol.12, no.3, pp.215–229. DOI: 10.1207/S15327663JCP1203_04.
- Lamb, R. B. (1984), *Competitive Strategic Management*, Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall, ISBN 978-0131549722.
- Nag, R, D. C. Hambrick & M. J. Chen (2007), "What is strategic management, really? Inductive derivation of a consensus definition of the field", *Strategic Management Journal*, 28(9), pp.935–955.

List of sources with English handwriting

- ʿAbbādī, Aḥad (1401 SH). "Taḥlīl-i Guftimān-i Mashrūʿīyat-i Dawlat-i ʿAbbāsī dar Vilāyat-ʿahdī-i Imām Riḍā (ʿa); Bar Asās-i Rūykard-i Guftimān-i Intiqādī-i Norman Fairclough." Tārīkh-i Farhang va Tamaddun-i Islāmī, vol. 13, no. 47, pp. 141–160. **[In Persian]**
- ʿAbbāsī, Maṣīb va Akram Muḥammadpūrī (1391 SH). "Barrisī-i ʿIlal va Angīzhah′hā-yi Tashkīl, ʿAmalkard va Maḥdūdah-yi Sāzmān-i Vikālat dar ʿAṣr-i Imām Ṣādiq va Imām Kāẓim (ʿa)." Pazhūhish′nāmah-i Tārīkh, no. 26, pp. 57–88. **[In Persian]**
- Abū al-Faraj al-Iṣfahānī, ʿAlī ibn al-Ḥusayn (1385 AH). Maqātil al-Ṭālibiyyīn. Sharḥ va taḥqīq Sayyid Aḥmad Ṣaqr. Beirut: Muʾassasat al-ʿIlmī lil-Maṭbūʿāt. **[In Arabic]**
- Adīb, ʿĀdil (1386 SH). Pīshvāyān-i Mā. Trans. Asadullāh Mubashshirī. Tehran: Farhang-i Islāmī. **[In Persian]**
- Akbarī Muqaddam, Lālah (1393 SH). "Sākhtār-i Sāzmān-i Vikālat dar ʿAṣr-i Imām Hādī (ʿa) va Kārkardhā-yi Ān." Farhang-i Pazhūhish, no. 19, pp. 43–72. **[In Persian]**
- Al-Irbilī, Abū al-Ḥasan ʿAlī ibn ʿĪsā (1421 AH). Kashf al-Ghummah fī Maʿrifat al-Aʾimmah, with an introduction by Aḥmad Ashkūrī, vol. 2. Qom: Nashr al-Sharīf al-Raḍī. **[In Arabic]**
- Al-Kashshī, Muḥammad ibn ʿUmar (1402 AH). Rijāl. Trans. Ḥasan Mubīnī va Faẓlullāh ʿAbd′allāhī. Tehran: Nashr-i Āmārah. **[In Persian]**
- Al-Kulaynī al-Rāzī, Abū Jaʿfar (1377 SH). Uṣūl-i Kāfī. Taṣḥīḥ ʿAlī Akbar Ghaffārī, vols. 1, 2, 3, 5. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah. **[in Arabic & Persian]**
- Al-Masʿūdī, ʿAlī ibn al-Ḥusayn ibn ʿAlī (1409 AH). Murūj al-Dhahab wa Maʿādin al-Jawhar. Taḥqīq Asʿad Dāghir, vol. 2. Qom: Dār al-Hijrah. **[In Arabic]**
- Al-Masʿūdī, ʿAlī ibn al-Ḥusayn ibn ʿAlī (n.d.). Ithbāt al-Waṣīyah. Qom: Baṣīratī. **[In Arabic]**
- Al-Mufīd, Muḥammad ibn Muḥammad ibn al-Nuʿmān (1414 AH). Al-Irshād (fī Maʿrifat Ḥujaj Allāh ʿalā al-ʿIbād), vol. 2. Qom: Dār al-Mufīd. **[In Arabic]**
- Al-Najāshī, Aḥmad ibn ʿAlī (1407 AH). Rijāl. Qom: Jāmiʿah Mudarrisīn. **[In Arabic]**
- Al-Nawbakhtī, Abū Muḥammad (1936 AD). Firaq al-Shīʿah. Taṣḥīḥ Muḥammad Ṣādiq Āl Bahr al-ʿUlūm. Najaf: Maṭbaʿat al-Ḥaydarīyah. **[In Arabic]**
- Al-Nuʿmānī, Ibn Abī Zaynab (1363 SH). Ghaybat-i Nuʿmānī. Trans. Jawād Ghaffārī. Tehran: Ṣadūq. **[In Persian]**
- Al-Ṣadūq, Muḥammad ibn ʿAlī ibn al-Ḥusayn ibn Bābawayh (1405 AH). Kamāl al-Dīn wa Tamām al-Niʿmah, vols. 1–2. Qom: Moʾasseseh-ye Nashr-e Eslāmī. **[In Arabic]**
- Al-Shahristānī, Abū al-Fatḥ (1990 AD). Al-Milal wa al-Niḥal, taḥqīq Muḥammad Sayyid Kaylānī, vol. 1. Beirut: Dār al-Maʿrifah. **[In Arabic]**
- Al-Ṭabarī al-Ṣaghīr, Muḥammad ibn Jarīr (1413 AH). Dalāʾil al-Imāmah. Taṣḥīḥ Qism al-Dirāsāt al-Islāmīyah. Qom: Nashr-i Baʿthah. **[In Arabic]**
- Al-Ṭabarī, Muḥammad ibn Jarīr (1387 AH). Tārīkh al-Umam wa al-Mulūk. Taḥqīq Muḥammad Abū al-Faḍl Ibrāhīm, vols. 3, 8. Beirut: Rawāʾiʿ al-Turāth al-ʿArabī. **[In Arabic]**
- Al-Ṭabrisī, Abī Manṣūr Aḥmad ibn ʿAlī (1386 AH). Al-Iḥtijāj. Taʿlīq va mulāḥaẓāt al-Sayyid Muḥammad Bāqir al-Kharsān, vol. 2. Najaf al-Ashraf: Dār al-Nuʿmān lil-Ṭibāʿah wa al-Nashr. **[In Arabic]**
- Al-Ṭūsī, Abū Jaʿfar Muḥammad ibn al-Ḥasan (1412 AH). Kitāb al-Ghaybah. Beirut: Dār al-Kitāb al-Islāmī. **[In Arabic]**

- Al-Ṭūsī, Abū Jaʿfar Muḥammad ibn al-Ḥasan (1415 AH). Rijāl. Taṣḥīḥ Jawād Qiyūmī Iṣfahānī. Qom: Jāmiʿah Mudarrisīn Ḥawzah ʿIlmīyah. **[In Arabic]**
- Al-Yaʿqūbī, Aḥmad ibn Abī Yaʿqūb (n.d.). Tārīkh al-Yaʿqūbī, vol. 2. Beirut: Dār Ṣādir. **[In Arabic]**
- ʿAmīd, Ḥasan (1389 SH). Farhang-i Fārsī. Tehran: Rāh-i Rushd. **[In Persian]**
- Dashtī, Muḥammad (1384 SH). "Naqsh-i Siyāsī-i Sāzmān-i Vikālat dar ʿAṣr-i Ḥuḍūr-i Aʾimmah ʿAlayhim al-Salām." Majallah-i Farhang-i Jihād, no. 40, pp. 102–125. **[In Persian]**
- Daʿvatī, Mīr Abū al-Fatḥ (1375 SH). "Tārīkh-i Paydāyish-i Tashayyuʿ dar Andalus." Kayhān-i Andīshah, no. 70, pp. 13–22. **[In Persian]**
- Grant, Robert M. (1398 SH). Modīriyat-e estrātijīk bā rūykardī-ye emrūzī. Trans. Ārash Khalīlī Naṣr. Tehran: Āryānā Qalam. **[In Persian]**
- Hādīmanish, Abū al-Faḍl (1384 SH). "Mubārizāt-i Siyāsī-i Imām Hādī ('a)." Muballighān, no. 69, pp. 10–35. **[In Persian]**
- Ḥusayn, Jāsim (1386 SH). Tārīkh-i Siyāsī-i Ghaybat-i Imām-i Dawāzdahum. Trans. Sayyid Muḥammad Taqī Āyat'allāhī. Tehran: Amīr Kabīr. **[In Persian]**
- Ibn al-Athīr, ʿIzz al-Dīn (1385 AH). Al-Kāmil fī al-Tārīkh, vols. 5, 6, 8. Beirut: Dār Ṣādir. **[In Arabic]**
- Ibn Khaldūn, ʿAbd al-Raḥmān (1375 SH). Al-Muqaddimah, vol. 1. Trans. Muḥammad Parvīn Gonābādī. Tehran: Intishārāt-i ʿElmī va Farhangī. **[In Persian]**
- Ibn Shahrāshūb Māzandarānī, ʿAlī (1379 SH). Manāqib Āl Abī Ṭālib. Ed. Sayyid Hāshim Rasūlī Maḥallātī. Qom: Intishārāt-i ʿAllāmah. **[In Arabic]**
- Ibn Shuʿbah al-Ḥarrānī, al-Ḥasan ibn ʿAlī (1387 SH). Tuḥaf al-ʿUqūl ʿan Āl al-Rasūl (ṣ). Trans. Ṣādiq Ḥasan'zādah. Qom: Intishārāt-i Āl-i ʿAlī ('a). **[In Persian]**
- Jabbari, Mohammad Reza (1380 SH). "Sāzmān-i Rahbarī-i Shīʿah dar ʿAṣr-i Ghaybat." Faṣlnāmah-i Intiẓār-i Mawʿūd, year 1, no. 1, pp. 157–168. **[In Persian]**
- Jabbārī, Moḥammad-Reżā. (1382). Sāzmān-e vekālat va naqsh-e ān dar ʿaṣr-e aʾemmeh (ʿa), vols. 1–2. Qom: Moʾasseseh-ye Āmūzeshī va Pazhūheshī-ye Emām Khomeynī. **[In Persian]**
- Jaʿfarīyān, Rasūl (1386 SH). Ḥayāt-i Fikrī va Siyāsī-i Imāmān-i Shīʿah. Tehran: Muʾassasah-i Anṣārīyān. **[In Persian]**
- Majlisī, Muḥammad Bāqir (1362–1374 SH). Biḥār al-Anwār, vols. 50, 51, 52. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah. **[In Arabic]**
- Mudarrisī Ṭabāṭabāʾī, Ḥusayn (1388 SH). Maktab dar Farāyand-i Takāmul. Trans. Hāshim Īzadpanāh. Tehran: Kawīr. **[In Persian]**
- Muḥammadī, ʿAbbāsʿalī va Muḥammad Sepahrī (1400 SH). "Shīʿah-i Imāmīyah va Jaryān-i Siyāsī-Fikrī-i Jāmiʿah-i Islāmī az Rūzgār-i Imām Jawād ('a) tā Ghaybat-i Ṣughrā (221–256 AH)." Muṭāliʿāt-i Tārīkh-i Islām, no. 48, pp. 132–156. **[In Persian]**
- Murtaḍā ʿĀmilī, Sayyid Jaʿfar (1373 SH). Zindigī-i Siyāsī-i Imām ʿAlī ibn Mūsā al-Riḍā ('a). Trans. Khalīl Khalīlīyān. Tehran: Daftar-i Nashr-i Farhang-i Islāmī. **[In Persian]**
- Whittington, Richard (1397 SH). Chīstī-i Rāhburd (Darāmadī bar Ulgūhā-yi Shaklgīrī-i Rāhburd). Trans. Bahman Ḥājīpūr va Mājid Nājī. Tehran: SAMT. **[In Persian]**